

کتیبه دودتر کازرون

رسول بشاش

○ مقدمه:

قرائتی که در این مقاله تحت عنوان "قرائت کتیبه دو دختر کازرون" درج می‌شود، ضمن استنساخ، حرف‌نویسی، آوانویسی و ترجمه متن، شاید بیش از حد معمول و متعارف در حاشیه بخش واژه نامه کتیبه، در باره بعضی از کلمات

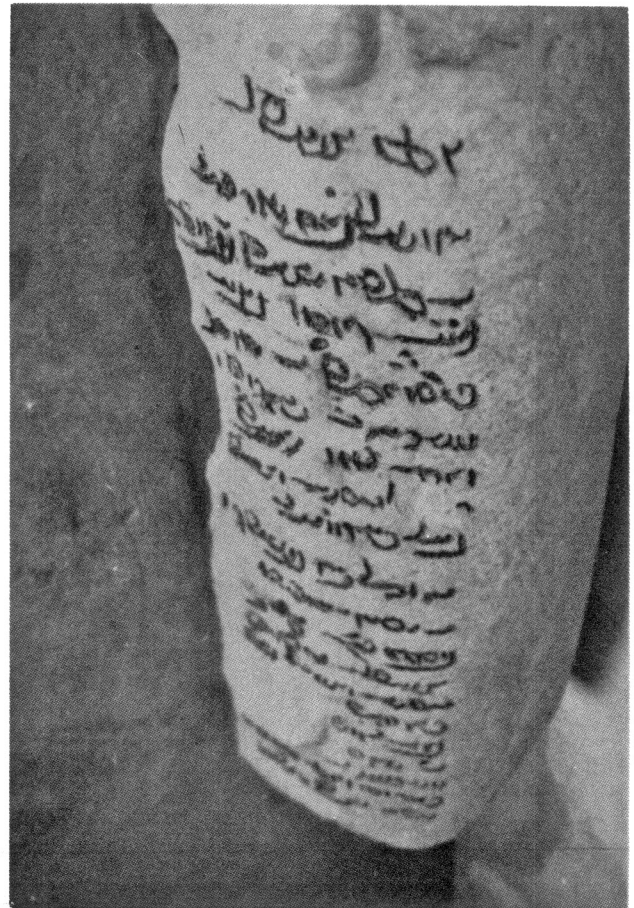
تازه بحث و گفتگو می‌کند. یکی از این کلمات که بیش از همه در این کتیبه جلب توجه می‌کند واژه ای است که به شکل **سرسر آمده** و نگارنده آنرا **hashtag** هشتگ یا هشتی می‌خواند و معنای آرامگاه و دخمه از آن استفاده می‌نماید این واژه همان طور که در جای خود توضیح داده شده، در هیچ متن و اثر مکتوب دوره فارسی میانه (پهلوی ساسانی) به معنای آرامگاه یادخمه دیده نشده است، لیکن در متون فارسی نو استفاده از واژه "هشتی" برای دالان و رواق و حتی در بعضی از گویشهای فارسی از جمله گویش لری به معنی ساختمان متداول بوده است. این نکته در بحث واژه هشتی یا هشتگ به معنی آرامگاه یادخمه بسیار قابل توجه و تامل است چه این واژه به معنی آرامگاه یادخمه در زبان بکلی مهجور شده لیکن در عمل و در ساختمان آرامگاهها و قبور هشت گوش جایگاه و کاربرد دقیقش را حفظ کرده است، به هر تقدیر نگارنده ضمن قرائت این واژه جدید و استفاده از آن به معنی آرامگاه، از کتیبه‌های بسیار قدیمی دوره ایلامی میانه تا دوره‌های پارتی و فارسی میانه و نو، به ردیابی آن



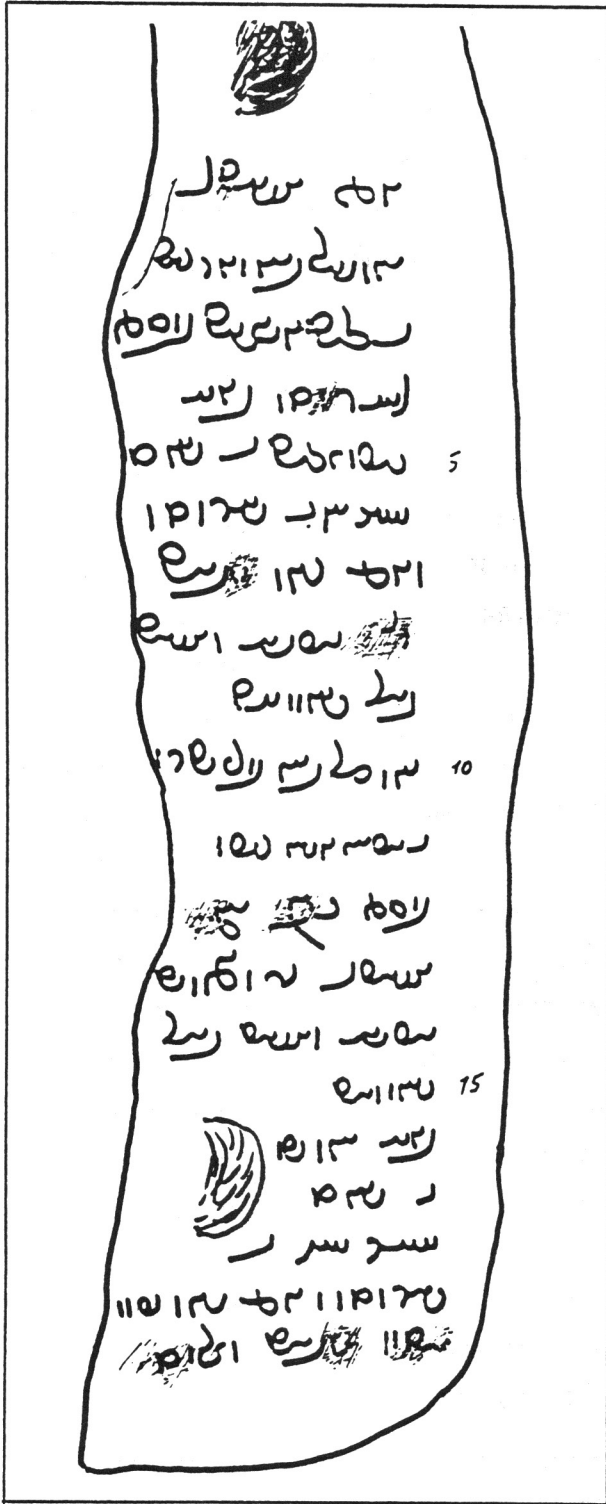
نقشه شماره ۱

○ محل کشف کتیبه کازرون و جنس و ابعاد آن *

کتیبه کازرون در سال ۱۳۶۶ در محلی واقع در حدود چهار کیلومتری جنوب شرقی کازرون و در فاصله حدود ۳۰۰ متری از جاده سابق شیراز کازرون بوشهر، در حین تسطیح و خاکبرداری محل توسط کشاورزان به دست آمد. (نقشه ۱) این سنگ از نوع سنگ آهک نسبتاً صاف و مرغوبی انتخاب شده و به شکل نیم استوانه توخالی تراشیده شده است. در سمت چپ آن کتیبه‌ای دره ۲ سطر به خط و زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی) از بالا به پایین حک شده است. (طرح شماره ۱)



سنگ نوشته دو دختر کازرون



(طرح شماره ۱) - استنساخ کتیبه کازرون

* کتیبه دو دختر کازرون نامی است که نگارنده برای کتیبه مورد بحث منظور کرده است و ارتباطی با آرامگاه گور دختر یا دو دختر واقع در دشت بزیر کازرون ندارد. زیرا در آرامگاه دو دختر دشت بزیر کازرون کتیبه‌ای وجود ندارد. لیکن وجه تسمیه آرامگاه دو دختر بزیر کازرون شاید بی‌ارتباط با کتیبه دو دختر مورد بحث، نباشد.

ترجمه کتبی به فارسی روان
 این هشتگ (هشتی) برای انوشیروان
 نیکزاد (مردان شاد) دخت
 ساخته شد در ماه سپندار مذ
 سال ۹۳ یزدگردی و روز دین
 بهبخت شد^۱ بهشت بهره‌اش باد
 خرم روان برزیدگ^۲ اپان گشنسب
 دخت در همین هشتگ است
 بهشت بهره‌اش باد. در ماه خرداد
 سال ۹۴ یزدگردی و روز دی به‌آذر
 بهبخت شد.^۳



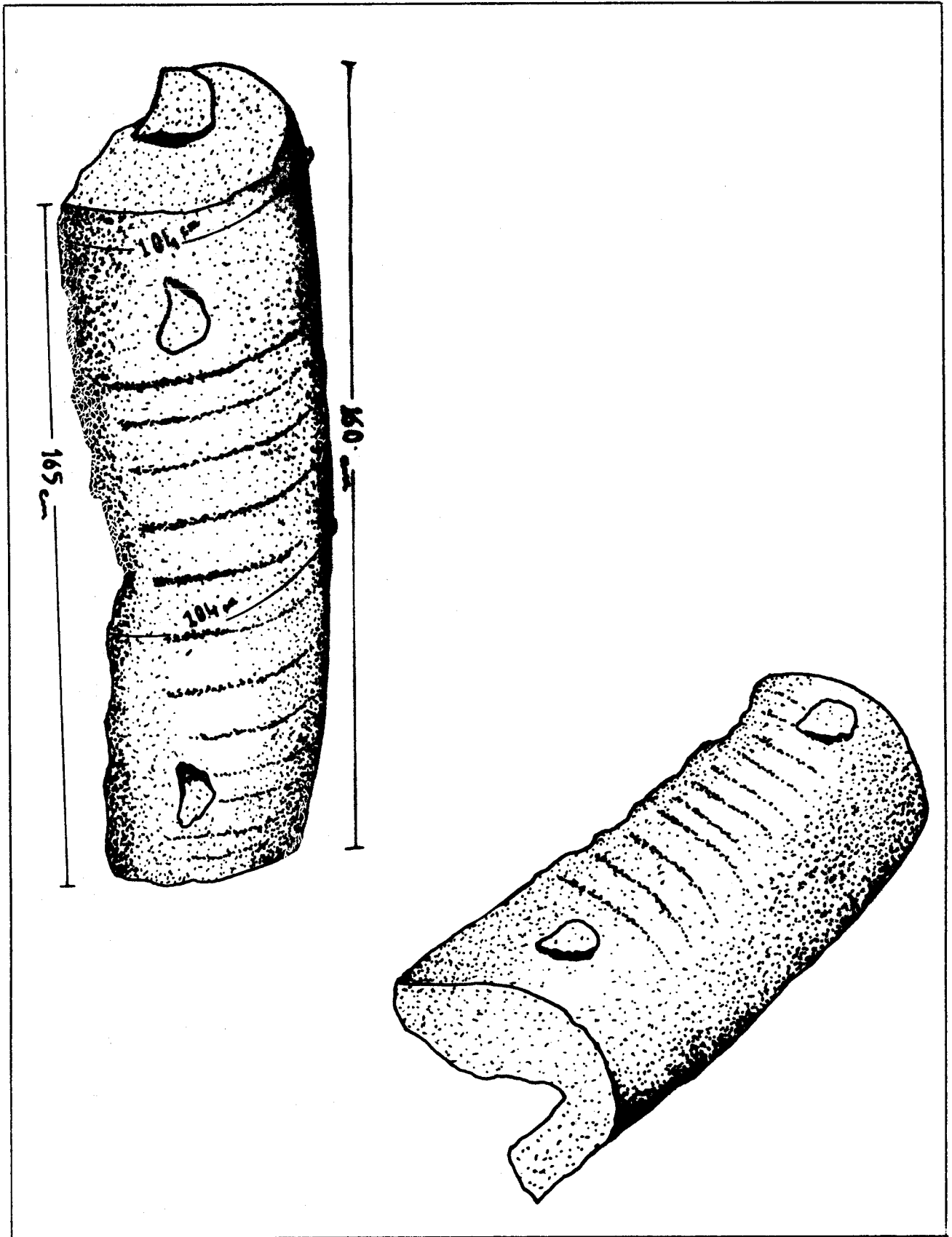
ابعاد سنگ به طول ۱۶۰ سانتیمتر در سطح منحنی
 بالا و ۱۶۵ سانتیمتر در پهلوها و حدود ۱۰۴ سانتیمتر در
 ناحیه قطر نیمه استوانه است. تعداد پنج عدد برآمدگی به
 ترتیب یک عدد در قاعده بالا و چهار عدد در طرفین
 پهلوئی وجود دارند که دو به دو و به فاصله حدود ۹۶
 سانتیمتر از هم قرار گرفته‌اند. (طرح شماره ۲)

Transliteration	Transcription
-----	-----
ZNH hštg(y)	ēn haštag(y)
ñwšlb'n nywk[z't]	a nošruwān nek [zād]
Y [mlt' n š't] BRTE	ī [Mardān Šad] duxt
ī d krt' BYRH	rāy kard māh
spndrmt YŠNT	spandarmad ī sal
93 Y yzdkrt'	93 ī yazdgird
W YWM dyn[PWN] bht	ud rōz dēn [pad] baxt
[OZLWNt]AP-š whšt	[šud] u-š wahišt
bhIYHWWN't	bahr bād (bavād)
hwrmlb n bwlc[ytk]	Xuramruwān burzidag
Y' p'ngwšnsp	ī Abāngušnasp
BRTE BYN hm	duxt andar ham
hštg(y) YKOYMWNyt	haštag(y) ēsted
AP-š whšt bhI	u-š wahišt bahr
YHWWN't	bād (bavād)
BYRH hwrdt	māh Hordād
Y ŠNT	ī sal
94 Y	94 ī
yzdkrt' YWM ddw' PWN	yazdgird rōz Day pad
tw' [PWN] bht OZLWNT	Ātur [pad] baxt šud.

۱- "بهبخت شد" یا "سبخت شد؟" به معنی رستگار شد.

۲- از فعل برزیدن "burzidan" در پهلوی به معنی ارج گذاردن، محترم شمردن. برزیدگ یا برزیده به معنی ارجمند، محترم صفت مفعولی است. این واژه به صورت صفت مفعولی در متون پهلوی و فارسی دیده نشده است.

۳- این کتبیه چنانکه از تاریخهای آمده در متن پیداست مربوط به اوائل نیمه اول قرن هشتم میلادی است (۷۲۶ ب. م.).



(طرح شماره ۲)

واژه نامه

۱۱۵۲ twr ، Ādur آتش نام ماه نهم ، و روزنهم و با ترکیب روز دی روز دی به آذر که هشتمین روز از ماه است .
 ۱۵۲۳۷۳۵۳ Pngwsnsp ، ۳۷۳۳۳۳۳۳ اپان گشسب نام شخص است .

۱۱۵۳ u- ضمیر سوم شخص متصل به واو عطف 'AP' آرامی 'w'، در فارسی میانه بمعنی 'ud' واو عطف است .
 ۱۳۱۳۱۳۱۳ anōsr(u)wān این کلمه در متون پهلوی بصورت ۱۳۱۳۱۳۱۳ anōsagruwān 'nwālb'n

معنی انوشیروان یعنی شادروان " مرحوم " می آمد (۱) . کلمه مورد بحث در این کتیبه باید صورت متاء خرتز باشد که به کلمه انوشیروان و انوشیروان نزدیکتر است .

bhl بهر ، قسمت ، نصیب . این کلمه در متون پهلوی بصورت ۱۳۱۳۱۳۱۳۱۳ bahr b'hl می آید . (۲)
 baxt b'ht بخت ، سرنوشت که با حرف اضافه Pad ماقبل خود بصورت ترکیبی Pad baxt ĠWN b'ht

معنی به بخت ، و با فعل شدن ، به بخت شد ، یعنی به وادی بخت شتافت ، رحلت کرد ، مرد . (۳)
 Burzidag bwicytk صفت مفعولسی از مصدر burzidan محترم شمردن ، ارج گذاردن ، برزیده ؟
 ارجمند ، والا . صفت است .

BRTE این کلمه هزوارش dux دخت است .
 BYRH mah هزوارش است . به معنی ماه
 BYN ander هزوارش " اندر " حرف اضافه است .

Dēn dyn ، بمعنی دین در این کتیبه روز دین بیست و چهارمین روز از ماه . (۲) با حرف نویسی 'ddw'
 Day که بصورت ترکیبی با روز Ādur Day Pad Ādur روز دی به آذر
 هشتی ، هشتک آرامگاه یادخمه ؟ (۴)

hordād hwrtd (ماه) خرداد . حرف زائد ۱۳۱۳۱۳ hwrtd در این کلمه روی کتیبه کازرون نیامده است .

Kard Krt فعل سوم شخص مفرد ماضی . حرف 'k' در این کتیبه بصورت حرف k در نوشته های خط شکسته پهلوی (Cursi ve Pahlavi) بصورت ۱۳۱۳ آمده است . در متون فارسی میانه حرف k بصورت ۱۳۱۳ می آید .
 rāy l'd حرف اضافه مفعولی "را"

ardān mardān šād . mit'ns't این نام شاید بصورت های دیگر از جمله Mihrān yazd یا Mihrān Yazdād نیز خوانده شود . نام شخص است .

nywk yzdt با nywk yzdt صفت است بمعنی نیک داد یا نیک یزداد
 ōzlwnt sud فعل هزوارش است بمعنی شدن سوم شخص مفرد ماضی .

Spandārmad . spndrmt ماه سپندارمذ یا اسفند و نام الهه زمین ، و پنجمین روز از ماه حرف زائد آخر کلمه بر روی کتیبه نیامده است .

šnt هزوارش است ، sāl سال
 ud 'و' عطف

wahist whst حرف زائد روی کتیبه نیامده است .
 Xoramruwan hwrmlb'n شادروان (۵)
 ī y کسره اضافه ، هزوارش است .

yazdgird Yzdkrt نام پادشاه ساسانی و مبداء تاریخ یزدگردی .

۵۲ YWM rōz هزوارش "روز"
 ۵۲ ZNH en هزوارش "این" ضمیر اشاره
 ۵۱۶۱۶ YKOYMWNYt estēd از فعل هزوارش estādan صیغه سوم شخص مفرد مضارع وجود
 دارد. حرف k در کتیبه بصورت حرف K شکسته یعنی 𐭠 آمده است.
 ۵۱۱۳۵ YHWWN't bavād یا bād از فعل هزوارش būdan صیغه سوم شخص مفرد وجه التزامی.

اعداد

۹۳ 𐭠𐭠𐭠
 ۹۴ 𐭠𐭠𐭠

زیرنویسی :

۱- مهرداد بهار، واژه‌نامه بندهش، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۵ تهران ص ۸۰.

D.N. Mac KENZIE, A Concire Pahlavi Dictionary, Lon 1971 p.10

2- Ibid p.16

۳- این کلمه را طبق قرائت کتیبه‌های مشابه در تخت جمشید :

M. Sprangling Šapur and Kartir, Chicago, 1953, PP. 70-71

و اقلید فارس: ریچارد فرای، مجموعه مقالات جلد ۱ انتشارات دانشگاه شیراز سال، ۱۹۷۶، ص ۲۶۵، می‌توان به صورت بازسازی شده [PWN] bht < pad baxt به معنی "بمخت" خواند و با فعل شدن "بمخت شد" یعنی "درگذشت"، "مرد" را از آن استفاده نمود. که البته در این کتیبه به همین نحو خوانده شد. لیکن چون شیوه نوشتاری کلمه به همراه کلمه 'baxt' روی کتیبه به علت زایل شدن اثر خط به صورت 𐭠𐭠𐭠 دیده می‌شود. لذا شاید بتوان این کلمه را به صورت sbht حرف‌نویسی کرد و آنرا sebuxt یا sebaxt یعنی با 𐭠 مضموم خواند و معنی "سختن" "رستگار شدن"، "نجات یافتن" را از آن استفاده نمود. هر چند که بخت در متون پهلوی به شکل 𐭠𐭠𐭠 آمده است. ولی این امر لااقل در همین کتیبه با توجه به معانی بودن املاء کلمات انوشیروان و "بهر" روی کتیبه در مقایسه با آنچه در متون می‌آید قابل توجیه است.

۴- این کلمه ابتداءً در قرائت نخستین نگارنده به صورت hstg y حرف‌نویسی شده و nstg یا hasty خوانده شد و کلمه "هستی" به معنی "آرامگاه" یا "قبر" از آن استفاده گردید که متأسفانه قرائت نگارنده در همان مراحل ابتدائی بدون هیچ شرح و تفسیری و بدون نام در مجله آینده شماره ۹ تا ۱۲ سال ۱۴ آذر و اسفند ۱۳۶۷ ص ۶۸۴-۶۸۵ به چاپ رسید. قرائت مزبور هنوز بهمان صورت قبل یعنی hstg y در مد نظر می‌باشد هر چند که همین کلمه شاید در طی طول تاریخ دچار ابهامات املاء و انشاء تاریخی شده و به اشکال متفاوت نیز قرائت و نقل شده باشد.

مترادف این کلمه که روی سنگ قبرهای مشابه به همین معنا دیده می‌شود کلمه دخمک است که به صورت 𐭠𐭠𐭠 نسخه‌برداری و ثبت شده است و (R.N. Frye, Fun rrary inscription in pahlavi from Fars) در کتاب مجموعه مقالات ریچارد فرای، انتشارات دانشگاه شیراز ۱۹۷۶ ص (۲۶۸-۲۵۸). شیوه نگارش کلمه دخمک با آنچه که روی سنگ قبر مورد بحث بصورت 𐭠𐭠𐭠 آمده است هر چند

متفاوت ولی شباهتهای ظاهری زیادی دارد. بطوریکه شاید بعید نباشد چنانچه با توجه به مشکلات قرائت خط پهلوی و ابهامات موجود در شیوه قرائت آن این تصور ایجاد شود که مبادا حتی کلماتی همچون اسپانور، اسپانور، هشت پر، هشت در، دوستاق (دستاق) و اسپنج، سپنج که همه به گونه‌ای معنای آرامگاه، قلعه، زندان و خانه عاریتی دارند بنوعی قرائت مشوش همین دو کلمه **اسپانور** و **اسپانور** که بر سنگ قبرهای فارسی میانه دوره ساسانی ثبت و ضبط شده‌اند باشند؟

نگارنده کلمه مورد بحث را در این کتیبه به دو دلیل ترجیحا " **hasṭy** یا **hasṭy** می‌خواند. اول به دلیل شکل ظاهری خود کلمه **اسپانور** که بیش از هر کلمه مشابه و مترادف دیگر به **hstg,y** می‌ماند. دوم بدلیل تمسک جستن به ریشه‌شناسی و مقایسه آن با کلمه هشتی در فارسی نو و وجود بناهای هشت‌گوش یا هشت ضلع و کاربرد آنها در بنای آرامگاه‌ها (tomb towers)

همانطوریکه قبلا " اشاره شد کلمه هشتی به صورت **hasṭag,y** در مرحله میانه زبان فارسی در هیچ کدام از گویشهای فارسی میانه، پهلوی و متون سغدی و مانوی به معنی آرامگاه یا قبر نیامده است.

کلماتی که در متون و کتیبه‌های فارسی میانه برای آرامگاه یا بنوعی قبر می‌آید عبارتند از **دور و** ، **gilistag** یا **gristag** بمعنی بد (دخمه) **معمول** ، **aspanur** ، **dadgah**

مامو ، **daxmag** ، **دکس** ، **hazzan** ، **janakan** و **معمول** **astodān-stwk) d'n** رک :

(بهرام فرهوشی، فرهنگ زبان پهلوی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۵۸ ص ۳۰۰، ۲۳۰)

D.N. Mac KENZIE A concise Pahlavi Dictionary Lon. 1974 p. 137

و در کتیبه پارتی اردوان پنجم واژه‌ای که پرفسور هنینگ (W. Henning) به معنی بنای یادبود، استل (سنگ قبر) ترجمه می‌کنند، ایشان **hansak** می‌خوانند و آنرا با کلمه فارسی میانه **hstc-** مقایسه می‌کنند Al, vol'-15 P.176. در هر حال این کلمات هیچ‌گدام از نظر سیاق نوشتاری شباهتی به کلمه **اسپانور** ندارند. به جز دخمک که آن هم معنا و اعتبار خود را از لحاظ نوشتاری و معنایی دارا می‌باشد. و اما کلمه هشتی در گویشهای مرحله فارسی جدید معمولا " به معنی دالان، رواق و از این قبیل می‌آید و در گویش لری هشتی به معنی خانه بزرگ است. هشتی یا هشتگ در مرحله فارسی نو صریحا " به معنی قبر یا آرامگاه نمی‌آید ولی بنای آرامگاه یا قبر بر مبنای هشت ضلع یا هشت گوش استوار می‌گردد یعنی معنی تگوازه هشت یا عدد هشت در ساختمان آرامگاه یا قبر مستتر است. بنابراین شاید قرائت نگارنده از کلمه مورد بحث به صورت **hasṭag,y** غیر معقول نباشد ضمن اینکه این کلمه بر روی سنگ یادبود یا سنگ قبر مورد بحث به وضوح **hstg,y** نیز خوانده می‌شود.

در اینجا باز هم شاید چندان بی‌ارتباط نباشد اشاره‌ای به یک واژه در زبان ایلامی داشته باشیم هرچند که مقایسه یک واژه فارسی میانه با واژه هم آوا و هم معنای آن در زبان ایلامی میانه به نظر تنی چند از اساتید زبان‌شناسی بسیار بعید می‌نماید. لذا چنانچه قرائت نگارنده از واژه مورد بحث صحیح باشد، این هم آوایی و هم معنایی واژگانی و نیز فاصله نه چندان دور گازرون با شوش شاید ناگزیر این مقایسه را ایجاب نماید.

در زبان ایلامی کلمه **aš-du** یا **ha-aš-du** به معنی جایگاه، بنیان (grundungs platze) می‌آید و به نوعی مکان مقدس اطلاق می‌شود. **ašdu** یا **hašdu** جایگاه هست که شاه ایلامی شیلهاک اینشوشیناک (۵۵۱-۱۶۵ ق م) برای خدای اینشوشیناک بنا می‌کند.

F.W. Wilhelm König, Die elamischen Königsinschriften . . Beiheft 16, Graz 1965, PP. 99, 184

و نیز کلمه **a-aš-ta** در زبان ایلامی به معنی نوعی میهمانسرا (شاید سیستان، حرم؟) می‌آید که این بنا

هم جزء بناهای مقدسه است که اونتاسگال (نپیریش) شاه بزرگ ایلامی برای الهه پینی‌گیر Pingir که مترادف الهه ایشثار بابلی است بنا می‌کند . M.J. Steve, Tchoga Zanbil, vol. III Paris 1967, P. 33, 118

باز hašdu در زبان ایلامی معبدخدای اینشوشیناک است .

F. Valla ، سلسله ایگی‌هالکی‌ها مجله اثر شماره ۱۷ ، سازمان میراث فرهنگی ، ۱۳۶۹ ص ۱۵۱ ترجمه آ. تال‌بلاغی (هامپارتیان)

در زبان اکدی haštu به معنی دام و تله می‌آید .

Theo Bauer Ak.kadische Lesestucke, Heft 3 Pontificius inst. Biblicum 1953 P.12

و همین کلمه در زبان آشوری به صورت haštu یا haltu به معنی جایگاه و گرسی ربه‌النوع زیرزمین است . نگارنده با توجه به همین ریشه‌های هرچند دور تاریخی از کلمات haštu ، astu ، haštuk و astu و همچنین مقایسه آنها با معنی کلمه یا تکواژه هشت در زبان فارسی متاخر و کاربرد آن در ترکیبات اسمی همچون هشت‌باغ ، هشت‌خلد و نیز جایگاه و اعتبار بنای هشتی در معماری ایرانی و به‌کارگیری بناهای هشت‌ضلع در ساختمان آتشکده‌ها و آرامگاه‌ها مانند آرامگاه سلطانیه و مقبره تاج‌محل و گنبد طغرل (مقبره شیخ شبلی در مشرق دماوند) چنین استنباط می‌کند که کلمه (haštay) در کتیبه گازرون به معنی مکان مقدسی است و چون محل تدفین دو دختر در آنجاست پس (haštay) شبستان یا حرم و آرامگاه ، این دو دختر است . همچنانکه در دوره ایلامی میانه hašdu یا ašdu و astu جایگاه یا شبستان خدایان اینشوشیناک و پینی‌گیر (ایشثار بابلی) بوده است .

۵- کلمه "خرم روان" به صورت صفت یا اسم در متون پهلوی دیده نشده است ولی در فارسی متاخر "خرم روان" به معنی "شادروان" آمده است رک ، فرهنگ دهخدا تحت واژه "خرم‌روان" . بنابراین کلمه خرم‌روان که در کتیبه گازرون می‌آید دقیقاً " مترادف انوشیروان به معنی شادروان است . در اینجا لازم است بنا بر تلمذ کوتاهی که در این مورد نزد استاد ارجمند دکتر مهرداد بهار داشتم نظر ایشان را نیز در مورد واژه مورد بحث ذکر نمایم . ایشان این واژه را با احتمال " هشته " بمعنی " نهاده " نیز می‌خوانند . نگارنده نظرایشان را گذشته از بحثی که خود در مورد این واژه در این مطالعه مطرح کرده است بسیار نیک پسندیده و بدین وسیله نظرایشان را در اینجا عنوان می‌کند .

تذکره :

باز در این رابطه لازم است باین نکته نیز اشاره گردد که نگارنده در حدود سه سال پیش خدمت استاد فاضل آقای دکتر احمد تفضلی رسیده و مدارک خویش را بهمین نحو ارائه شده در این مقاله که در تاریخ ۶۹/۱۰/۵ جهت چاپ به مجله اثر ارسال شده است در مورد کتیبه گازرون همراه عکس و استنساخ و مقاله که مربوط به سازمان میراث فرهنگی کشور بود ارائه نموده و از ایشان درخواست ارشاد و راهنمایی علمی کردم . متأسفانه استاد ارجمند نه تنها در این مورد نگارنده را ارشاد نفرمودند بلکه بعد از مدتی معلوم گردید که خود استاد بدون اطلاع نگارنده و سازمان میراث فرهنگی کشور از مدارک ارائه شده استفاده کرده و بدون رویت حداقل خود شئی مورد بحث از نزدیک که هم‌اکنون در اداره میراث فرهنگی شهرستان گازرون در انبار نگهداری می‌شود آنرا طی مقاله‌ای در یک مجله ادواری خارجی بچاپ رسانیده‌اند .

A. Tafazzoli L'inscription Funeraire de Kazerun II

(Parisan) Studia Iranica 20 , 1991 .